Educating Children & Juveniles Deprived of Their Liberty & the Challenges They Face in Iran Law

Jamal Beigi[1], *Mehrdad Teymoori*[2]

Abstract

Background and aim: Every child & juvenile, in every place & time, is equally entitled to the enjoyment of his or her human rights as an inherent & inalienable right. Whether that child & juvenile is a criminal or a non-criminal, children & juveniles deprived of their liberty are among the most vulnerable groups in society whose rights cannot be ignored. Today education is considered an essential element of the progress & development of human societies & the right to education of children & juveniles deprived of their liberty is also considered as one of their human rights & citizenship. Although, having the right to education of children & juveniles deprived of their liberty can play an essential role in re-socializing & reforming them. However, the implementation of this right in Iran has several challenges.

Methods: The present paper, which is written using library documents & resources in a descriptive & analytical manner, examines the challenges facing the right to education of children & juveniles deprived of their liberty in Iran & offers solutions.

Results: Findings & results of the study indicate that the implementation of the right to education of children & juveniles deprived of liberty in Iran faces numerous cultural, financial, judicial, legal, administrative & security challenges that must be addressed in order to address the existing challenges using the solutions provided for each What better way to take action than to enforce this right.

1. Associate Professor, Department of Criminal Law & Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran. (Corresponding Author) Email: Jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

2. Ph.D. Student in Criminal Law & Criminology, Islamic Azad University, Maragheh Branch, Maragheh, Iran.

Original Article Received: 7 Sep 2019 Accepted: 2 Feb 2020

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-03]

Conclusion: The facts show the need for societies to have places that can keep inconsistent & abnormal people out of society for a while & to make arrangements so that they can reform & return to society for social welfare. The right to education of children & juveniles deprived of their liberty is one of their fundamental rights & it is the responsibility of governments to take measures in this regard to take. So that they, like other members of society, can achieve the right to education as their human right.

Keywords

Child, Juvenile, Education, Iran's Rules, Correctional Center

Please cite this article as: Beigi J, Teymoori M. Educating Children & Juveniles Deprived of Their Liberty & the Challenges They Face in Iran Law. Child Rights J 2020; 2(5): 73-101.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-03]

آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی و چالش‌های فراروی آن در حقوق ایران

جمال بیگی[۱]

مهرداد تیموری[۲]

چکیده

زمینه و هدف: هر کودک و نوجوانی در هر مکان و زمان به صورت برابر مستحق بهره‌مندی از حقوق بشری خود به مثابه حقوق ذاتی و انفکاک‌ناپذیر هست، خواه آن کودک و نوجوان بزه‌کار بوده یا غیر بزه‌کار. کودکان و نوجوانان محروم از آزادی از جمله آسیب‌پذیرترین گروه در جامعه هستند که حقوق آن‌ها را نمی‌توان نادیده گرفت. امروزه آموزش رکن اساسی ترقی و پیشرفت جوامع بشری قلمداد می‌گردد و حق آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی نیز به عنوان یکی از حقوق بشر و شهروندی آنان قلمداد می‌گردد، هرچند برخورداری از حق آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی در راستای باز اجتماعی‌نمودن و اصلاح و تربیت آن‌ها نقش اساسی را می‌تواند داشته باشد، لیکن اجرای این حق در ایران دارای چالش‌های متعددی هست.

روش: مقاله حاضر که با استفاده از اسناد و منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی و تحلیلی نگارش یافته، به بررسی چالش‌های فراروی حق آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی در ایران و ارائه راه‌کارها می‌پردازد.

یافته‌ها: یافته‌ها و نتایج پژوهش حاکی از این است که اجرای حق آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی در ایران با چالش‌های متعدد فرهنگی، مالی، قضایی، قانونی، اجرایی و

---

۱. دانشیار گروه آموزشی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: Jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

نوع مقاله: پژوهشی **تاریخ دریافت مقاله:** ۱۳۹۸/۶/۱۶ **تاریخ پذیرش مقاله:** ۱۳۹۸/۱۱/۱۳

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-03]

امنیتی مواجه است که باید در راستای رفع چالش‌های موجود با استفاده از راه‌کارهای ارائه‌شده در جهت هرچه بهتر اجراشدن اجرای این حق گام برداشته شود.

بحث و نتیجه‌گیری: واقعیت‌ها نشان از نیاز جوامع به مکان‌هایی دارد که بتوانند برای مدتی افراد ناسازگار و ناهنجار را جدا از جامعه نگاه دارند و تمهیداتی بیندیشند که آنان اصلاح شده و در جهت رفاه اجتماعی به جامعه بازگردند. حق آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی جزء حق اساسی آنان است و بر دوش دولت‌ها است که تدابیری در این خصوص به کار گیرند. همچنین اقدام‌های بسیاری در کانون‌های اصلاح و تربیت و زندان‌های ایران در خصوص رعایت حق آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی و رفع چالش‌های موجود باید انجام گیرد تا آن‌ها نیز همانند سایر افراد جامعه بتوانند به حق آموزش به مثابه حقوق بشری خود دست یابند.

واژگان کلیدی

کودک، نوجوان، آموزش، مقررات ایران، کانون اصلاح و تربیت

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-03]

مقدمه

زندان مکانی است که در آن فرد خاطی به دلیل اعمال خطای خود می‌بایست مجازات گردد، نه این‌که از حقوق اولیه که به دلیل انسان‌بودن تا قبل از ارتکاب جرم از آن برخوردار بوده است، محروم گردد. باید اذعان داشت که امروزه در اکثر نظام‌های حقوقی مقرراتی در رابطه با زندان و زندانیان وضع گردیده و میثاق‌ها و معاهدات متعدد بین‌المللی به امضای کشورهای عضو سازمان‌های بین‌المللی درباره حقوق زندانیان رسیده است که در آن‌ها به یکسری حقوق و اصولی اشاره شده تا با رعایت آن‌ها توسط نظام‌های حکومتی زندانیان نیز بتواند از حداقل پارامترهای ممکن جهت انسان‌بودن بهره‌مند گردند، اگرچه حق آموزش در بسیاری از اسناد و معاهدات بین‌المللی تحت حمایت قرار گرفته است و در قوانین و مقررات داخلی بسیاری از کشورها به آن اشاره شده است، اما در اجرای آن، دنیا با چالش‌های بزرگی رو به روست، اما قطعاً حفره‌هایی که در نقض آن برای بشریت ایجاد می‌شود. همانا به بزرگی نقض فاحش حقوق بشر است که تنها نیازمند توسعه آن در راستای رسیدن همگان به اهمیت این مهم هست. در این مسیر پرتلاطم حمایت و ایفای کامل و فوری حق بر آموزش بر دوش دولت‌ها می‌باشد (۱).

علی‌القاعده تعیین مجازات برای مجرمان به سه منظور بازدارندگی، بی‌مجازات نماندن مرتکب و بازپروری مجرمان ایجادشده است. این سه هدف، یعنی بازدارندگی، بی‌مجازات‌نماندن و بازپروری هر یک جامعه هدفی دارند که با دیگری متفاوت است (۲). اصل بازدارندگی در جرائم و مجازات‌ها بر مجرمان بالقوه متمرکز است، یعنی کسانی که ممکن است به واسطه شرایط ویژه خود در معرض ارتکاب جرائم قرار گیرند. بی‌مجازات‌نماندن مرتکب نیز باهدف تقاص اجتماعی و ارضای حس انتقام‌جویی و بی‌پاسخ‌نگذاردن مجرم از سوی خانواده یا شخص مجنی‌علیه به رسمیت شناخته شده است و در نهایت بازپروری شخص مجرم را هدف قرار داده است و درصدد است تا وی را از قید سوابق تاریک گذشته و اعمال زیان بارش برهاند.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-03]

حق تحصیل و آموزش بخشی از حقوق بشر که به صورت بین‌المللی و در اسناد متعدد حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. احترام به حق تحصیل و آموزش برای همه شهروندان فارغ از اعتقادات مذهبی، سیاسی، جنسیتی و نژادی از نشانه‌های بارز پایبندی حکومت‌ها به یکی از جنبه‌های مهم حقوق بشر در سطح جهان است. این حق باید بدون هرگونه تبعیض و در راستای کرامت انسانی برای همه افراد فراهم گردد و دولت‌ها مکلف‌اند با بهره‌گیری از همه منابع در دسترس، زمینه را برای بهره‌مندی شهروندان از آموزش فراهم کنند (۳). آموزش و تحصیل حق یا امتیازی است که در دسترس کودکان و نوجوانان قرار می‌گیرد تا نتایج آن در بهبود کلی حقوق آنان مؤثر واقع شود. فقط با آموزش است که کودکان و نوجوانان به جهان خارج از فرهنگ فقر دسترسی دارند و از راه فراگیری علوم و مهارت‌ها، ارزش‌های معنوی را می‌یابند و به سوی زندگی توأم با خوشبختی هدایت می‌شوند (۴). بر این اساس و مبنای حقوق انسانی هر کودک و نوجوان نیز بدون در نظرگرفتن ملاحظات فرهنگی، مذهبی، نژادی، عقیدتی، ملیتی، جنسیتی و هرگونه ویژگی دیگر از جمله ارتکاب جرم، از حقوق بنیادین بشری از جمله حق بر آموزش برخوردار است.

کودکان و نوجوانان محروم از آزادی از جمله گروه‌های در معرض خطر نقض حقوق بشری در سطح جامعه بین‌المللی هستند که به لحاظ شرایطی که در آن به سر می‌برند، امکان نادیده‌گرفتن آن‌ها و تعرض به حقوق و آزادی‌های اساسی‌شان بیشتر از دیگر گروه‌های انسانی بوده و غالباً شرایط منصفانه‌ای برای احقاق حقوق آن‌ها وجود ندارد و به طور خاص تحت انواع و اقسام رفتارهای غیر انسانی، تحقیرآمیز، ظالمانه و حتی گاهی شکنجه قرار می‌گیرند (۵). از این رو ضرورت حمایت بیشتر و مؤثر از آن‌ها تدوین و تصویب مقررات ویژه حقوق بشری و رعایت حقوق آن‌ها را می‌طلبد تا کودکان و نوجوانان محروم از آزادی نیز همانند سایر اقشار جامعه از حقوق اولیه خود مانند حق بر آموزش است نیز بهره‌مند گردند. متأسفانه در مرحله اجرا و ایفای زندانیان در بسیاری از موارد نمی‌توانند از این حق بهره‌مند گردند. مقاله حاضر که با هدف بررسی چالش‌های

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-03]

فراروی حق آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی در ایران می‌پردازد و با ارائه راه‌کار درصدد پاسخ‌دادن به این دو پرسش می‌باشد:

۱ـ چالش‌های فراروی حق آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی در نظام حقوقی ایران کدام‌اند؟

۲ـ راه‌کارهای کاربردی ناظر بر چالش‌های حق آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی کدام‌اند؟

چالش‌های روانی، مالی و عدم سازگاری با محیط در اجرای حق آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی

از جمله چالش‌های موجود در مقابل حق آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی، چالش‌های روحی و روانی، عدم سازگاری با محیط و مالی است که مشکلات روحی و روانی این کودکان و نوجوانان، عدم سازگاری با محیط کانون اصلاح و تربیت و زندان و همچنین مشکلات مالی کانون‌های اصلاح و تربیت زندان‌ها و مؤسسات آموزشی در زمینه آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی نمونه‌ای از چالش‌های موجود می‌باشند.

۱ـ مشکلات روحی و روانی کودکان و نوجوانان محروم از آزادی

زمانی که کودک و نوجوانی از اجتماع وارد محیط کانون اصلاح و تربیت و یا زندان می‌شود، محیط جدیدی را که قبلاً با آن آشنایی نداشته را تجربه می‌کند و در این محیط کودکان و نوجوانان با مسائل و مشکلاتی درگیر می‌باشند که از جمله این مشکلات مسائل خانوادگی و مشکلات مربوط به پرونده کیفری و همچنین حالات روحی کودک و نوجوان که دچار نوعی عذاب وجدان می‌شود و از لحاظ روانی دچار نوعی پریشانی و اختلال می‌گردد که موجب منزوی‌شدن کودک و نوجوان می‌شود و از لحاظ روحی و روانی آمادگی این‌که موقعیت جدید را بپذیرد، ندارد و دنیا را برای خود پایان شده می‌داند، البته این نوع حالات در افرادی که تازه و برای اولین‌بار وارد کانون و

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-03]

یا زندان شده‌اند، بیشتر مشاهده می‌گردد، لذا افرادی که دارای سابقه زندان می‌باشند به راحتی می‌توانند حالات روحی و روانی خود را با شرایط موجود و با آن محیط وفق دهند. پس در چنین حالتی کودک و نوجوان ازلحاظ روحی و روانی مساعد برای آموزش‌دیدن و این‌که ادامه تحصیل بدهد نیست و هیچ انگیزه و رغبتی هم به آموزش از خود نشان نمی‌دهد. پس کانون اصلاح و تربیت و زندان محلی است که کودک و نوجوان به خاطر اعمال خلاف و خطای خود آزادی از او سلب می‌گردد، اما به زندان رفتن صرفاً مجازات سالب آزادی است و در این صورت کودک و نوجوان نیز می‌تواند به سایر حقوق بنیادین و اساسی خود دسترسی داشته باشد.

۲ـ عدم سازگاری با محیط کانون اصلاح و تربیت و زندان

محیط خاص کانون‌های اصلاح و تربیت و زندان‌ها، قوانین و ساختارهایی که حالت نظم گونه‌ای دارند، برای کودک و نوجوانی که برای اولین‌بار وارد آنجا می‌شود با دشواری‌هایی همراه است. کودک و نوجوان که از محیط آرام و مهربان خانواده خود وارد محیط سرد و خشن و زجرآور کانون و یا زندان می‌شود، نمی‌تواند خود را با آن محیط وفق بدهد. همچنین کودکان و نوجوانان مستقر در کانون‌های اصلاح و تربیت در سنین خاصی هستند که نیاز به بودن در کنار خانواده و بهره‌مندی از مهر و محبت خانواده رادارند که به ناچار در محیطی قرار می‌گیرند که سرتاسر خشن و نامهربانی است و وفق‌دادن خود با شرایط و محیط آنجا کار بسیار دشواری است. مسأله دیگر این‌که ناچار می‌باشند با افرادی که سابقه‌دار هستند و جرائم سنگین را مرتکب شده‌اند، در یک مکان زندگی کنند و معاشرت داشته باشند که از طریق این معاشرت خرده‌فرهنگ زندان در آن‌ها تأثیر گذاشته و عوارض ناخوشایندی به همراه خواهد داشت این امر در افرادی که در سنین پایین‌تری قرار دارند، بیشتر مشهود است.

از آنجایی که قانون کیفرهایی را تحمیل می‌کند که برخی سنگین‌تر از برخی دیگرند، نمی‌تواند اجازه دهد که فرد محکوم به کیفرهای سبک در همان مکانی حبس شود که مجرم محکوم به کیفرهای سنگین‌تر حبس شده است، اگرچه هدف اصلی کیفر تحمیل‌شده از سوی قانون جبران جرم است، اما اصلاح مجرم نیز مورد نظر است (۶).

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-03]

همچنین فرد کودک و نوجوان با معاشرت با کودکان و نوجوانان دیگر مستقر در کانون جرم خود را زشت و ناپسند نمی‌داند و چه بسا افرادی را با جرائم مهم‌تر از خود می‌بینند و جرم خود را کم‌اهمیت برمی‌شمرد که این امر خود باعث می‌شود که کودکان و نوجوانان به آموزش‌دیدن و ادامه تحصیل رغبت نداشته باشند و در چنین موقعیتی هم امکان ارائه آموزش و تشویق به آموزش‌دیدن و ادامه تحصیل کم‌رنگ می‌گردد.

یکی از زندان‌هایی که برای زندانیان امکانات بسیار زیادی را تدارک دیده است و زندانیان در آنجا بسیار راحت و آسان زندگی می‌کنند زندان هالدن فنگسل (Halden Fengsel) نروژ است. این زندان در سال ۲۰۱۱ در زمینی به مساحت ۳۰ هکتار ساخته شده است که امکاناتی بیش از هتل‌های ۵ ستاره دارد. سلول‌های زندان هالدن بیشتر شبیه خوابگاه‌های دانشجویی شیک هستند، هر سلول مجهز به تلویزیون و یخچال کوچک است و پنجره‌های قدی بلند فضای روح‌نوازی به سلول‌ها می‌دهد. هر ۱۰ تا ۱۲ سلول یک آشپزخانه و اتاق پذیرایی دارد که فضای داخلی آن‌ها با مبلمان راحتی، میز قهوه‌خوری سبزرنگ و سرویس حمام لوکس تزئین شده است. در اینجا معماری و دکوراسیون داخلی در کاستن اضطراب زندانیان و توان‌بخشی آن‌ها نقش بسیار مؤثری دارد. از مهم‌ترین ویژگی‌های این زندان آن است که تلاش شده محیط آن با فضای بیرون از زندان هیچ تفاوتی نداشته باشد. به همین دلیل فضای داخلی به جای سیمان و آجر با ورق‌های گالوانیزه و درختان کاج از فضای بیرون جداشده است. در واقع تنها دیوار بتنی امنیتی زندان با پوشش انبوه گیاهی از منظر زندانیان دور نگه داشته شده تا زندان هالدن خصمانه به نظر نرسد. به گفته مسؤولان از این زندان برای آماده‌سازی روحیه زندانیان برای ورود به جامعه استفاده می‌شود. به اعتقاد نروژی‌ها، زندانی‌کردن مجرمان در شرایط سخت نه‌تنها نتیجه‌بخش نیست، بلکه احتمال ارتکاب به جرم پس از آزادی را میان زندانیان افزایش می‌دهد (۷). با توجه به موارد اشاره‌شده در خصوص عدم سازگاری کودکان و نوجوانان با محیط‌های کانون اصلاح و تربیت و زندان در ارائه آموزش به آن‌ها و ترغیب به آموزش دیدن می‌تواند تأثیرگذار باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-03]

۳ـ مشکلات مالی در زمینه آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی

روشن است به صرف این ادعا که چون برخی از کشورها امکان مادی، محقق ساختن این حق را ندارند، نمی‌توان این‌گونه استدلال کرد که این حق نباید عام الشمول یا آمره قلمداد شود. این نتیجه که از منطق نیز برمی‌آید. عقل حکم می‌کند که برای تحقق این اهداف والا و اساسی برشمرده شده در اعلامیه جهانی و محقق‌ساختن حقوق مندرج در میثاق‌ها و سایر اسناد حقوق بشری مرتبط باید افراد از آن‌ها مطلع شده و قدرت درک ابتدایی آن‌ها را داشته باشند. گو این‌که محقق‌شدن تمامی دیگر حقوق، وابستگی تام و غیر قابل انکاری با وجود آموزش دارد. رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر پایه آموزش شکل می‌گیرد و آموزش ابتدایی به عنوان یک پایه، زیربنای اساسی حق بر توسعه و دیگر حقوق بنیادین را شکل می‌دهد (۸). مشکل مالی دولت‌ها در اجرای حق آموزش در کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته بیشتر مشهود است که عدم توجه دولت به امر آموزش و اهمیت این موضوع را دربر دارد.

زندان‌ها در اغلب کشورها با کمبود منابع مالی، نبود مراقبت‌های بهداشتی و تغذیه نامناسب رو به رو هستند. همچنین زندانبانان دارای آموزش‌های لازم نیستند. افزون بر آن، حقوق و دستمزد ناچیزی درازای مسؤولیت مهمی که بر عهده دارند، دریافت می‌کنند. در برخی کشورها میزان مرگ و میر در زندان بالاست و نیز اغلب کشورها امکان ساختن زندان‌های بیشتر، برای جلوگیری از تراکم زندانیان و استخدام زندانبانان و آموزش آنان و تخصیص اعتبارات مالی بیشتر برای زندان‌ها وجود ندارد (۹).

با توجه به سرانه بالای جمعیت کیفری در کانون‌های اصلاح و تربیت و زندان‌ها و بودجه‌ای که برای آن‌ها در نظر گرفته می‌شود، صرف سایر هزینه‌ها مانند خوراک، تأمین امنیت و سایر هزینه‌ها که جزء بزرگی از مخارج کانون‌های اصلاح و تربیت و یا زندان را دربر می‌گیرد را شامل می‌شود. همچنین برای ساختن و تجهیز مدارس در کانون‌های اصلاح و تربیت و زندان‌ها و ایجاد فضاهای آموزشی هزینه‌ای نمی‌شود و بودجه خاصی در داخل سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی برای اجرای حق

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-03]

آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی و سایر زندانیان در نظر گرفته نشده است که اجرای حق آموزش را با مشکلات مالی مواجه می‌کند.

همچنین وزارت آموزش و پرورش، نهضت سوادآموزی و سایر نهادهای وابسته آموزشی و دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی که در امر آموزش زندانیان فعالیت دارند، به دلیل مشکلات مالی خاص خود از قبیل هزینه بالای معلمان جهت رفتن به داخل کانون و زندان‌ها برای تدریس و اخذ امتحان از دانش‌آموزان و دانشجویان محروم از آزادی که بار مالی بر دوش نهادهای مذکور می‌گذارد. از اجرای حق آموزش این کودکان و نوجوانان و همکاری با سازمان زندان‌ها در این زمینه کوتاهی به عمل می‌آورند.

چالش‌های قضایی و قانونی در اجرای حق آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی

با توجه به شناسایی حق آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی به عنوان حق اساسی و بنیادین آن‌ها، در مقام اجرا و ایفای حق آموزش آن‌ها دچار چالش‌های قضایی و قانونی است که از جمله این چالش‌های می‌توان به عدم همکاری مسؤولان زندان، مسؤولان قضایی و متولیان امر آموزش در زمینه آموزش و همچنین ضعف ضمانت اجرا اشاره نمود.

۱ـ عدم همکاری مسؤولان کانون‌های اصلاح و تربیت و زندان‌ها

اشخاصی که در کانون‌ها و یا زندان‌ها به عنوان مسؤول یا کارمند و یا در سایر قسمت‌های آن سازمان مشغول به کار می‌باشند و به طور مستقیم یا غیر مستقیم با کودکان و نوجوانان در ارتباط هستند و این‌که امر آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی به طور مستقیم به واحدی خاص مانند واحد فرهنگی مرتبط نیست، چه بسا در زمینه آموزش و ادامه تحصیل کودکان و نوجوانان محروم از آزادی همه مسؤولان سازمان و متصدیان با آن ارتباط پیدا می‌کنند.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-03]

چنانچه با مجرمی که به زندان افتاده است با قساوت و اعمال شاقه رفتار کنند، او را از جامعه کنار بگذارند و به عنوان خلافکار معرفی کنند در این صورت او خود را از دیگران پایین‌تر می‌داند و یک نوع حقارت در خود احساس می‌کند که در نتیجه نسبت به جامعه احساس دشمنی می‌کند و برای ارتکاب هر نوع کردار زشت و ناپسند خود را مهیا می‌سازد که واکنش آن در کارهای ترس‌آوری که انجام می‌دهد، ظاهر می‌شود (۱۰).

همچنین مسؤولان و مأموران و مربیانی که اجرای روش‌های اصلاحی و تربیتی و یا درمانی را بر عهده دارند، بایستی آشنا به علوم کیفری جدید مخصوصاً علم زندان‌ها و روان‌شناسی کیفری و جرم‌شناسی بوده و جهت آشنایی با طرز اجرای روش‌های مدرن و پیشرفته، آموزش ضمن خدمت داشته باشند. در انتخاب افراد مذکور، بایستی نهایت دقت به عمل آید تا صلاحیت اخلاقی و روانی آنان محرز شود. مسؤولان، مأموران و مربیان زندان‌ها که وظایف بس خطیری را بر عهده دارند، باید از رفاه اجتماعی لازم برخوردار بوده و خدمت در زندان‌ها دارای امتیازاتی باشد تا افراد مذکور با آرامش خاطر و دلسوزی وظایف محوله را انجام دهند. وقتی مسؤول یا مأموری با مشکل مسکن مواجه و نگران وضع فرزندان و معیشت و آسایش خانواده خود است، چگونه می‌توان انتظار داشت که وظایف خود را صمیمانه انجام دهد (۱۱).

با توجه به شرایط خاص محیطی و امنیتی که در کانون‌های اصلاح و تربیت و زندان‌ها حاکم است، مسؤولان مربوطه در فرستادن زندانیان به کلاس‌های درس و ایجاد انگیزه در کودکان و نوجوانان کوتاهی می‌کنند و چه بسا در پاره‌ای از موارد هم با گفتن حرف‌هایی مانع از ادامه تحصیل‌دادن آن‌ها می‌شوند، حتی واحد مربوط فرهنگی همکاری لازم در جهت اجرای حق آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی را انجام نمی‌دهد. این نوع کم‌کاری به خاطر عدم اجباری‌کردن همکاری مسؤولان در زمینه اجرای برنامه‌های فرهنگی است که آموزش کودکان و نوجوانان نیز جزئی از آن را شامل می‌شود. کودکان و نوجوانان نیز در چنین شرایطی میل و رغبتی برای ادامه تحصیل ندارند و آمار درستی از کودکان و نوجوانان مستقر در کانون‌های اصلاح و تربیت

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-03]

زندانیان که در سن تحصیل می‌باشند به اداره آموزش و پرورش در جهت آموزش آن‌ها نیز داده نمی‌شود. این را می‌توان ناشی از نگاه منفی که به زندانی وجود دارد نیز دانست مسؤولان ذی‌ربط حق آموزش را امتیازی مضاعف برای این کودکان و نوجوانان می‌دانند، به همین علت ادامه تحصیل را برای کودک و نوجوان دشوار می‌نمایند که حتی در این زمینه هیچ همکاری با وزارت آموزش و پرورش و نهادهای وابسته و دانشگاه‌ها در زمینه ادامه تحصیل کودکان و نوجوانان محروم از آزادی انجام نمی‌دهند.

۲ـ عدم همکاری مسؤولان قضایی

می‌توان گفت که مجازات جنبه ترهیبی، تأمینی و اصلاحی، بازدارندگی و طرد از جامعه رادارند. ممکن است ایراد شود که مقصود از اوصاف مجازات این باشد که هر کدام از آن‌ها مانند حبس، جزای نقدی، شلاق، اعدام و... دارای یک وصف باشند و یک نوع مجازات مثل حبس نمی‌تواند دارای تمامی اوصاف باشد. در پاسخ باید گفت که مجازات‌ها بر حسب اهداف اجتماعی به نحو ذیل مورد استفاده قرار می‌گیرند:

ـ مجازات‌هایی که هدف از آن تنبیه و آگاه‌ساختن و همچنین ترساندن و ایجاد خوف و هراس بوده و بیشتر در جرائم غیر عمدی و یا جرائم کم‌اهمیت اعمال می‌شود، در این دسته مجازات‌های نقدی، غرامت، جریمه و زندان‌های کوتاه‌مدت را می‌توان نام برد. در این دوره کوتاه امید به اصلاح مقصر وجود ندارد، بلکه یک نوع بر حذرداشتن مقصر از دست‌زدن به ارتکاب جرم است.

ـ مجازات‌هایی که هدف آن هدایت، اصلاح و برگشت مجرم به راه درست است. در بین این دسته بیشتر جرائم کم‌اهمیت و مجازات‌های بلندمدت مورد نظر است.

ـ بین دو دسته فوق مجازات‌هایی وجود دارند که مختص مجرمانی است که مرتکب جرائم مهم شده‌اند، مثل اعدام و قصاص، حبس ابد و حبس‌های بلندمدت. این مجازات‌ها برای افرادی در نظر گرفته می‌شود که به دفعات متعدد مرتکب جرم شده‌اند. بنابراین ملاحظه می‌گردد که اگرچه مجازات حبس یکی از انواع مجازات‌ها هست، اما بر مبنای مدت حبس می‌توان دارای یکی از اوصاف ترهیبی، تأدیبی و یا طرد از جامعه باشد (۱۲). از این رو چنانکه در احکام صادره از سوی دادگاه‌ها، دیدگاه جرم‌شناسانه

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-03]

مجازات زندان باید لحاظ گردد و بر تأثیر مجازات بر کودکان و نوجوانان محروم از آزادی و میزان تأثیر آن در اصلاح و تربیت و بازپروری کودکان و نوجوانان بزه‌کار نیز توجه گردد.

هم‌چنانکه مدت شش ماه زندان برای اصلاح مجرمان و دمیدن روح کار در آنان بیش از حد کوتاه است؛ از سوی دیگر، زندان ابد آنان را ناامید می‌کند و آنان نسبت به اصلاح خلق و خویشان بی‌اعتنا می‌شوند و به چیزی جز نقشه فرار و شورش نمی‌اندیشند. حال آنکه وقتی در مورد آنان حکم محرومیت از زندگی صادر شده، چرا باید در پی آن بود که زندگی را برای آنان غیر قابل تحمل کرد، مدت کیفر تنها در نسبت با اصلاح ممکن و استفاده از مجرمان اصلاح‌شده معنا می‌یابد (۶). به نظر می‌رسد یکی از ابزارهای بسیار مهم اصلاح و تربیت زندانیان و برگرداندن صحیح آنان به جامعه تشخیص هویت و شناخت خصوصیات روانی و رفتاری زندانی باشد، چراکه متأسفانه رفتارهای ناصحیح برخی از زندانبانان که ناشی از عدم اطلاع از خصوصیات رفتاری و تشخیص زندانیان است. زندانی راجری‌تر کرده و بعضاً موجب عقده‌های مختلف روانی می‌شود که آن‌ها را پس از آزادی در جامعه با تنش رو به رو خواهد کرد (۱۲). اصلاح بزه‌کار، یعنی مرتکب جرم در فرایند عدالت کیفری به منظور مناسب‌کردن پاسخ کیفری با نیازهای روانی، جسمانی و اجتماعی او. در این دیدگاه جهت‌گیری کلی مجازات، از جنبه تنبیهی صرف، به جنبه درمانی تغییر می‌کند و نوع آسیب‌های شخصیتی بزه‌کار معیار اصلی واکنش عدالت کیفری به جرم می‌شود و سخن از پاسخ‌های فردی شده یا به طور کلی عدالت کیفری شخصی‌شده به میان می‌آید. بدین‌سان است که در کنار پرونده قضایی و پلیسی مرتکب جرم، پرونده شخصیت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌گردد. تشکیل پرونده شخصیت بزه‌کار، یعنی درگذشتن از جنبه‌های صرف حقوقی بزه برای لحاظ جنبه‌های انسانی جرم با مطالعه گذشته خانوادگی، تحصیلی، حرفه‌ای، روانی و جسمانی مرتکب آن و حالت عمومی بزه‌کار پس از وقوع جرم (۱۳) که می‌تواند در فرایند ادامه تحصیل کودکان و نوجوانان محروم از آزادی نقش داشته باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-03]

همچنین با توجه به این‌که پرونده شخصیت از اهمیت بسیاری برخوردار هست که در تشکیل پرونده شخصیت برای کودکان و نوجوانان مستقر در کانون‌های اصلاح و تربیت و زندان‌ها کوتاهی به عمل می‌آید و با توجه به زیادبودن جمعیت کیفری و استفاده از زندان‌ها به عنوان بازداشتگاه‌های موقت و سایر جرائم مانع از تشکیل پرونده شخصیت می‌گردد. از این رو نمی‌توان از ظرفیت این نهاد به منظور استفاده از تأثیرات آن در بازپروری و اصلاح کودکان و نوجوانان بزه‌کار بهره برد. همینطور الزامی‌نمودن تشکیل پرونده شخصیت برای کودکان و نوجوانان محروم از آزادی در کانون‌ها و زندان‌ها جهت استفاده از ظرفیت‌های این نهاد به منظور اصلاح و تربیت کودکان و نوجوانان بزه‌کار و بهره‌مندی از حق آموزش ضروری است.

۳ـ عدم همکاری متولیان امر آموزش

متولیان آموزش و پرورش و همینطور مسؤولان دانشگاه‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها در زمینه ادامه تحصیل کودکان و نوجوانان محروم از آزادی و امر آموزش آن‌ها کم‌توجهی می‌کنند که این امر می‌تواند ناشی از شرایط خاص محیط کانون‌ها و زندان‌ها و عدم همکاری مسؤولان مربوطه با نهادهای مذکور نیز باشد و در چنین شرایطی از آموزش دیدن و ادامه تحصیل کودکان و نوجوانان بزه‌کار استقبال نمی‌کنند و آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی را به نوعی پرورش مجرمان تحصیلکرده می‌دانند و با ادامه تحصیل زندانیان مخالفت می‌کنند. حال این‌که آموزش و ادامه تحصیل کودکان و نوجوانان محروم از آزادی گامی در جهت اصلاح و تربیت و بازپروری آنان است تا از این رهگذر امکان بازپذیری اجتماعی آنان فراهم گردد. عدم همکاری متولیان امر آموزش را می‌توان به خاطر نبود اساس‌نامه مدارس کانون‌های اصلاح و تربیت و زندان‌ها و قانون خاص آموزش عالی زندانیان نیز دانست.

تحقیقات و بررسی‌های به عمل‌آمده نشان می‌دهد که رابطه مستقیم و تنگاتنگی بین سطح سواد و ارتکاب جرم وجود دارد. جرم و بزه‌کاری یکی از معضلات روزافزون جوامع امروزی است و بالاترین درصد مجرمین در افراد بی‌سواد و طبقه اجتماعی استعدادی پایین دیده می‌شود. بی‌سوادی و کم‌سوادی و ناآگاهی و جهل به قانون و

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-03]

گسترش روزافزون ارتباطات فراملی، به پیدایش و تشدید تفاوت‌ها و تعارضات عقیدتی، ارزشی و هنجاری در بین افراد و گروه‌های اجتماعی منجر می‌گردد.

در چنین شرایطی افراد و گروه‌های اجتماعی اگر از نظر خانوادگی نیز دچار نابسامانی باشند، بر سر تشخیص اهداف و راه‌های نیل به اهداف دچار سرگردانی می‌شوند و از نظر اخلاق نظری و اخلاق عملی دچار تعارض می‌گردند و بر هنجارها و قواعد عمل نمی‌کنند و انگیزه مشارکت در امور عام‌المنفعه و خیر عمومی را از دست می‌دهند. این افراد در جهت نیل به اهداف فردی با صرف هزینه‌های عمومی به خودخواهی خود ادامه می‌دهند و از جامعه انتقام می‌گیرند.

به عبارت دیگر بی‌سوادی موجب بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی می‌شود، به طوری که تحقیقات نشان می‌دهد اکثر بزه‌کاران، سطح سواد مناسبی ندارند. از آنجا که بی‌سوادی یا کم‌سوادی به کاهش اعتماد به نفس می‌انجامد، همچنین نداشتن مهارت برای گذراندن زندگی از پیامدهای آن است، می‌توان مدعی رابطه مستقیم میان سواد و کاهش بزه‌کاری شد. با تأکید بر این‌که میان سواد و جرم یک رابطه مستقیم وجود دارد، تحقیقات نشان می‌دهد افرادی که خودشان یا والدین آنان بی‌سوادند زمینه گرایش به جرم بیشتری دارند، زیرا هرچه افراد باسوادتر باشند، از توانایی‌های بیشتری برای حضور در عرصه اجتماعی، کسب مهارت و به دست‌آوردن تجربه برخوردار می‌شوند و کم‌تر به سمت جرم می‌روند، هرچه سطح تحصیلات بالاتر باشد، توانایی شخص در تغییر شرایط یا انطباق با اوضاع بیشتر است، یعنی تحصیلات موجب ارتقای مهارت‌های زندگی و تغییرات مثبت در سبک زندگی شده و می‌تواند تأثیر پیشگیرانه از جرم داشته باشد. با توجه به این‌که درصد بسیار بالایی از افرادی که در زندان‌ها هستند، بی‌سواد یا بازمانده از تحصیل بوده‌اند و رابطه‌ای بسیار دقیق و پیوسته بین بازماندگان از تحصیل و بی‌سوادی با وقوع جرم و بزه در بین آنان وجود دارد (۱۴).

۴ـ ضعف ضمانت اجراها

بازپروری یک مجرم و ایجاد زمینه رشد و شکوفایی شخصیتش و اصلاح افکار وی نیازمند انجام مقدماتی است که از جمله این مقدمات می‌توان به ایجاد زمینه ادامه

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-03]

تحصیل اشاره کرد، اما مسأله حق کودکان و نوجوانان محروم از آزادی بر آموزش روی دیگری هم دارد و هیچ کس نمی‌تواند به دلیل زندانی‌بودن مانع از حق آموزش کودکان و نوجوانان بزه‌کار گردد و این حق را از آن‌ها سلب نماید. به همین منظور ضمانت اجرایی را برای اشخاصی که موجب سلب حقوق افراد می‌شوند، پیش‌بینی شده است، ولی به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت مقوله حق آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی ناکافی باشد.

همچنین در سال ۱۳۸۱ یعنی ۱۳ سال پس از الحاق ایران به کنوانسیون حقوق کودک، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان تصویب شد. طبق ماده ۲ این قانون، سلسله اعمالی را که بعدها کودک‌آزاری نام می‌نهند، ممنوع می‌کند. به موجب این قانون اذیت و آزار کودک که موجب صدمه جسمی، روحی، روانی و اخلاقی وی شود، کودک‌آزاری اطلاق شده است. در ماده ۴ این قانون که ممانعت از تحصیل اشخاص زیر ۱۸ سال را یکی از مصادیق کودک‌آزاری می‌داند و با جرم‌انگاری این اعمال، سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس یا جزای نقدی برای آن قرار می‌دهد، لذا این قانون با گرته‌برداری از کنوانسیون حقوق کودک در یک جرم‌انگاری کلی نه صرفاً خطاب به والدین، چون حق آموزش برای دولت هم تکلیف معین می‌کند. حق آموزش را هم مورد توجه قرار می‌دهد، لذا اگر آموزگار، مدرسه و مقامات رسمی مانع تحصیل شخص زیر ۱۸ سال شوند. به عنوان کودک‌آزار قابل‌تعقیب هستند (۱۵). در این قانون با جرم‌انگاری ممانعت از تحصیل و به طور خاص بر ضمانت اجرای نقص حق آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی اشاره شده است. در مواد ۷ و ۸ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ نیز بازماندن طفل و نوجوان از تحصیل مورد توجه قرار گرفته و حدود حمایت از کودکانی که از تحصیل بازمانده‌اند، مشخص شده است. همچنین به بهزیستی و دادستان اجازه داده شده تا در صورت نیاز نسبت به این مسأله اقدام نمایند.

مطابق این کنوانسیون، کودکان بزه‌کار، گروهی هستند که از آموزش‌های مناسب محروم‌اند. از این جهت بند ۴ ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک صریحاً پیش‌بینی کرده

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-03]

است که برنامه‌های آموزش باید برای بزه‌کاران نوجوان موجود باشد. در متن ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک بیان می‌دارد که «۱ـ کشورهای عضو در مورد کودکان مجرم یا متهم به نقض قانون کیفری این حق را به رسمیت می‌شناسد که با آنان مطابق با شؤونات و ارزش کودک رفتار گردد...؛ ۴ـ آموزش و برنامه‌های آموزشی حرفه‌ای و سایر اقدامات جایگزین باید برای تضمین رفتار مناسب با رفاه و شرایط و جرم ارتکابی کودکان برای آن‌ها موجود باشد» (۱۶).

همچنین در جهت حمایت بیشتر از افراد بازداشت‌شده و زندانی و لزوم رفتار انسانی و حفظ حقوق آن‌ها ضمانت اجرایی به طور کلی در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی می‌توان یافت که در آن سلب حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، موجب انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی و حبس از دو ماه تا سه سال را خواهد داشت. ملاحظه می‌گردد که ضمانت اجرای عدم رعایت و سلب حق آموزش زندانیان به طور کلی در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی نیز آمده است. علاوه بر این مطابق ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی در تمام مراحل دادرسی کیفری الزامی است و متخلفان علاوه بر جبران خسارت وارده به مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی نیز محکوم می‌شوند.

چالش‌های اجرایی و امنیتی در اجرای حق آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی و ارائه راه‌کارها

اجرای حق آموزش در کانون‌ها و زندان‌ها با یکسری چالش‌های اجرایی و امنیتی مواجه است که این چالش‌ها ناشی از شرایط و قوانین خاص کانون‌ها و زندان‌ها و مسائل امنیتی هست که در آنجا حاکم است، از جمله چالش‌ها موجود می‌توان به عدم وجود فضاهای آموزشی در کانون‌ها و زندان‌ها، عدم امکان حضور در کلاس‌های بیرون از کانون و زندان و مشکلات مربوط به سیستم اداره آن‌ها را نام برد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-03]

۱ـ عدم وجود فضاهای آموزشی در کانون‌های اصلاح و تربیت و زندان‌ها

آموزش و پرورش و ادامه تحصیل نیازمند محیطی مناسب و فضای آموزشی کافی و شایسته است و در محیطی مانند مدرسه و کلاس‌های درس می‌توان آموزش باکیفیت را ارائه نمود، کانون‌های اصلاح و تربیت کشور و زندان‌ها فاقد فضای آموزشی کافی و مناسب جهت ادامه تحصیل و حتی مطالعه کودکان و نوجوانان محروم از آزادی می‌باشند. این خود اجرای حق آموزش را در داخل کانون‌ها و زندان‌ها با چالش مواجه می‌سازد و کودکان و نوجوانان هیچ میل و رغبتی برای ادامه تحصیل و آموزش پیدا نمی‌کنند و متولیان امر آموزش نیز در صورت نبود فضاهای آموزشی مناسب در اجرای آموزش آن‌ها با مشکل مواجه می‌شوند.

این امر ناشی از تراکم جمعیت زندانیان و نبود فضاهای مناسب و کافی در زندان‌ها برای این‌که به امر آموزش اختصاص داده شود، نشأت می‌گیرد و عملاً در زندان‌ها با کمبود فضاهای آموزشی مواجه می‌شویم. کلاس‌های آموزشی بایستی مجهز از خوابگاه‌ها و با در نظرگرفتن محل بهداشت و تعداد زندانیان و احتیاجات آتی بنا شود و نور کلاس‌ها باید به حد کافی باشد تا زندانیان ناراحتی برای خواندن و نوشتن نداشته باشند (۱۱).

۲ـ عدم امکان حضور در کلاس‌های بیرون از کانون اصلاح و تربیت و زندان

در تحقیق به دست‌آمده از ارزیابی برنامه‌های آموزشی در زندان‌های اصفهان و کاشان، با وجود این‌که امکانات آموزشی در زندان‌ها تا حدی و به میزان زیاد است، اما در باب امکان خروج زندانیان از زندان برای ادامه تحصیل، عملکرد زندان‌ها بسیار ضعیف است، به گونه‌ای که در زندان مرکزی استان اصفهان در بخش زنان تا حدی وجود دارد و در زندان مردان در همین استان و در زندان کاشان، امکان فرستادن زندانیان به کلاس‌های آموزشی و پرورشی بیرون از زندان کم و خیلی کم است و در مجموع زندان‌های مطالعه‌شده امکان خروج زندانیان و شرکت در کلاس‌های آموزشی خارج از زندان کم و خیلی کم است (۱۷).

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-03]

همچنین با توجه به شرایط خاص زندانیان و نوع پرونده‌های قضایی و انواع مجازات‌ها و همچنین مسائل امنیتی که در کانون‌ها و زندان‌ها وجود دارد، امکان حضور کودکان و نوجوانان محروم از آزادی در کلاس‌های درس خارج از کانون با چالش مواجه می‌شودکه این امر در تحصیلات عالی بیشتر محسوس می‌گردد و همینطور اخذ آزمون از دانش‌آموزان و دانشجویان مستقر در کانون‌های اصلاح و تربیت و زندان با چالشی جدی مواجه است، البته در پاره‌ای از موارد کودکان و نوجوانان محروم از آزادی را اشخاصی تشکیل می‌دهند که دارای جرائم سبک یا پرونده‌های قضایی می‌باشند که قاضی اجرای احکام با اخذ قرار وثیقه از افراد با توجه به پرونده شخصیت و وضعیت و شرایط اجتماعی و طرز رفتار و کردار او در کانون می‌تواند اجازه خروج از کانون و یا زندان برای شرکت در کلاس‌های درس و حتی اجازه خروج را برای شرکت در آزمون‌ها را با حصول شرایط معینی بدهد که این امر هم شامل همه کودکان و نوجوانان مستقر در کانون و یا زندان نمی‌شود و افراد خاص را دربر می‌گیرد که می‌توانند این‌چنین از حق آموزش بهره‌مند گردند.

۳ـ مشکلات مربوط به سیستم اداره کانون اصلاح و تربیت و زندان

اداره هر زندان نیازمند برنامه و نظام ویژه‌ای متناسب با اهداف و امکانات زندان است. از این رو مشاهده می‌شود که کلیه زندان‌های کشورهای مختلف دنیا، تابع برنامه و نظام خاص خود می‌باشند. سیستم‌های متداول در زندان‌های جهان عبارت‌اند از:

۳-۱- سیستم عمومی (رژیم دسته‌جمعی): قدیمی‌ترین و ساده‌ترین سیستم حبس دسته‌جمعی است. در این سیستم زندانیان در اتاق‌ها یا خوابگاه‌های بزرگ نگهداری می‌شوند. روزها به طور دسته‌جمعی کار می‌کنند و شب‌ها در خوابگاه‌های عمومی به سر می‌برند.

۳-۲- سیستم انفرادی (رژیم پنسیلوانین): برای فرار از معایب سیستم دسته‌جمعی دانشمندان و روحانیون معتقد بودند که زندانیان بایستی به طور انفرادی نگهداری شوند. به همین منظور در مجمع روحانیون مسیحی پیشنهاد شد که زندان‌ها

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-03]

با سیستم انفرادی احداث شوند که اولین زندان انفرادی در سال ۱۷۹۰ در ایالت پنسیلوانیا بنا گردید.

در سال ۱۸۵۲ در فرانسه ۴۵ زندان به سیستم انفرادی که گنجایش پذیرش ۵ هزار زندانی را داشت تأسیس شد و در سال ۱۹۳۹ از ۷۵ زندان موجود در فرانسه ۵۰ زندان مجهز به سیستم انفرادی بود. در این سیستم، زندانیان به طور انفرادی شب و روز در سلول تنها به سر می‌برند و اجازه خواندن و نوشتن را داشته و به آنان کاردستی تعلیم داده می‌شود.

۳-۳- سیستم مختلط (رژیم ابرنین): برای اولین‌بار سیستم مختلط (رژیم ابرنین) در سال ۱۸۱۶ در ایالت نیویورک (آمریکا) در زندان ابران ایجاد گردید. در این سیستم، زندانیان روزها به طور دسته‌جمعی کار می‌کنند. ورزش و تفریح و صرف غذا دسته‌جمعی است، اما حق حرف‌زدن با یکدیگر را ندارند و شب‌ها به طور انفرادی در سلول به سر می‌برند. با این‌که این سیستم معایب حبس انفرادی را ندارد، اما کم و بیش معایب سیستم عمومی (حبس دسته‌جمعی) را دارد.

۴-۳- سیستم مدرن (رژیم ایرلاندو): برای اولین‌بار در سال ۱۸۲۸ در فرانسه و در سال ۱۸۴۰ در ایرلند (انگلستان) اجرا شد. از اواخر قرن ۱۹ در اکثر کشورهای غربی به مورد اجرا گذارده شد. با اجرای این سیستم در مراحل مختلف، زندانی به تدریج در محیط زندان برای بازگشت به محیط عادی اجتماعی آماده می‌گردد.

سیستم رایج در اداره زندان‌های ایران نظامی است متفاوت از سیستم‌های فوق‌الذکر، هرچند شباهت‌هایی میان آن و سیستم عمومی یا رژیم دسته‌جمعی مشاهده می‌شود، البته در رژیم دسته‌جمعی افراد روزها را به طور دسته‌جمعی کار می‌کنند، در حالی که در سیستم رایج زندان‌های ایران، زندانیان تمام اوقات شبانه‌روزشان را با یکدیگر و بدون اشتغال به کار و یا پیشه‌ای خاص سپری می‌نمایند و جز خوابیدن یا گفتگو با هم کار مهم دیگری در زندان انجام نمی‌دهند (۱۸).

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-03]

نکته قابل توجه این است که در سیستم اداره کانون‌های اصلاح و تربیت و زندان‌ها در ایران اوقات کودکان و نوجوانان محروم از آزادی بیهوده تلف می‌شود و آن‌ها جز خوردن و خوابیدن و صحبت‌کردن با هم کار مفید دیگری انجام نمی‌دهند و هیچ‌گونه توجهی به بازپروری و اصلاح و تربیت آنان وجود ندارد. در چنین سیستم اداره زندان‌ها، انتظار بهره‌مندی کودکان و نوجوانان محروم از آزادی از حق آموزش و امکان ادامه تحصیل آن‌ها با چالشی جدی مواجه می‌گردد.

راه‌کارهای برون‌رفت از چالش‌های فراروی حق آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی

۱ـ راه‌کار چالش روحی و روانی

راه‌کار ارائه‌شده در این زمینه استفاده از روان‌شناسان مجرب در جهت این‌که کودک و نوجوان را ازلحاظ روحی و روانی مورد مطالعه قرار داده و با راهنمایی و هدایت آنان را برای ادامه زندگی تشویق نمایند و با مشاوره درمانی و ارائه آموزش‌های لازم و ترغیب کودکان و نوجوانان جهت ادامه تحصیل و آموزش‌دیدن و ایجاد آمادگی در این زمینه گامی مثبت در جهت اصلاح و تربیت و بازپروری کودکان و نوجوانان محروم از آزادی برداشته شود.

۲ـ راه‌کار چالش عدم سازگاری با محیط

راه‌کار ارائه‌شده در این زمینه ایجاد فضاهای آرام‌بخش و فرهنگی در کانون‌های اصلاح و تربیت و زندان‌ها است که از روح سرد و خشن آنجا تا حدودی کاسته شود. این امر به خصوص در کانون‌های اصلاح و تربیت و در مورد زندانیان که در سن تحصیل هستند باید بیشتر رعایت شود و محیط و فضاهای زندگی آنان را همانند مدرسه و محل تحصیل به وجود آورد تا کودکان و نوجوانان محروم از آزادی، آن مکان را محلی برای آموزش دیدن و ادامه تحصیل و راه و رسم زندگی‌کردن را آموختن بدانند. همچنین جداسازی افراد از لحاظ جرم و میزان مجازات و طبقه‌بندی از حیث سن و

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-03]

شرایط خاص تحصیلی در میزان اصلاح و تربیت و بازپروری کودکان و نوجوانان بزه‌کار نقش به سزایی خواهد داشت.

۳ـ راه‌کار چالش مالی

راه‌کار ارائه‌شده در این زمینه به منظور تجهیز کانون‌های اصلاح و تربیت و زندان‌ها و مؤسسات وابسته به مدارس و فضاهای آموزشی، اختصاص بودجه خاص در داخل سازمان زندان‌ها جهت اجرای حق بر آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی است. همچنین توجه خاص به آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی با کمک‌گرفتن از نهادهای بین‌المللی فعال در زمینه آموزش در جهت اجرای حق آموزش زندانیان و همکاری با سازمان‌های مردم‌نهاد و مؤسسات خصوصی در این زمینه و اختصاص سرانه خاص آموزشی مخصوص کودکان و نوجوانان محروم از آزادی در وزارت آموزش و پرورش و نهادهای وابسته در امر آموزش به این کودکان و نوجوانان و همچنین همکاری مشترک سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور با وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه‌ها و سایر مراکز آموزشی با ایجاد تفاهم‌نامه جهت اجرای حق بر آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی می‌تواند مثمر ثمر واقع گردد.

۴ـ راه‌کار عدم همکاری مسؤولان کانون‌های اصلاح و تربیت و زندان

راه‌کار ارائه‌شده در این زمینه با توجه به این‌که حق آموزش و ادامه تحصیل کودکان و نوجوانان محروم از آزادی گامی در جهت بازپروری و اصلاح و تربیت کودکان و نوجوانان بزه‌کار است و هدف سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور هم در اجرای این امر متمرکز است، لذا با استفاده از برنامه‌های سنجیده و آموزش ضمن خدمت کارکنان و مسؤولانی که در کانون‌ها و زندان‌ها مشغول به کار می‌باشند و اجباری‌کردن همکاری آن‌ها در زمینه آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی و اجبار واحد فرهنگی به رعایت و اجرای کامل این حق در زندان‌ها می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-03]

۵ـ راه‌کار عدم همکاری مسؤولان قضایی

راه‌کار ارائه‌شده در این زمینه الزامی‌نمودن تشکیل پرونده شخصیت برای کودکان و نوجوانان مستقر در کانون‌های اصلاح و تربیت و زندان‌ها در جهت استفاده از ظرفیت این نهاد به منظور بهره‌مندشدن از حق آموزش و توجه به ادامه تحصیل کودکان و نوجوانان بزه‌کار توسط قضات اجرای احکام هست که به طرز اجرای مجازات نظارت دارند و در مورد مسائل مربوط به آن‌ها تصمیم‌گیری می‌نمایند و می‌بایست در وظایفی که برای قاضی اجرای احکام مشخص گردیده، تصمیم‌گیری و نظارت در مورد امکان ادامه تحصیل کودکان و نوجوانان بزه‌کار نیز بر عهده آن مرجع قرار گیرد تا کودکان و نوجوانان محروم از آزادی با توجه به مدت محکومیتشان بتوانند از حق آموزش بهره‌مند گردند.

۶ـ راه‌کار عدم همکاری مسؤولان مراکز آموزشی

راه‌کار ارائه‌شده در این زمینه لزوم آشناسازی متولیان امر آموزش با وضعیت واقعی و موجود در کانون‌های اصلاح و تربیت و زندان‌ها و فرهنگ‌سازی در زمینه ارائه حق آموزش و ادامه تحصیل کودکان و نوجوانان محروم از آزادی و همچنین آشناسازی با مزایای اجرای این حق در امر بازپروری و اصلاح و تربیت کودکان و نوجوانان بزه‌کار است. همچنین فراهم‌کردن زمینه بازدید متولیان و دست‌اندرکاران امر آموزش از کانون‌ها و زندان‌ها، فراهم‌کردن زمینه شرکت متولیان امر آموزش در هیأت‌مدیره انجمن‌های حمایت از زندانیان و همچنین تصویب اساسنامه خاص برای مدارس کانون‌های اصلاح و تربیت و زندان‌ها توسط وزارت آموزش و پرورش و تصویب آیین‌نامه خاص برای آموزش عالی زندانیان توسط وزارتخانه‌های مطبوع و یا سایر نهادهای مربوطه و همچنین استفاده از ظرفیت‌های رسانه ملی و سایر نهادها و ارگان‌های دولتی و خصوصی در این زمینه می‌تواند مفید واقع گردد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-03]

۷ـ راه‌کار ضعف ضمانت اجراها

راه‌کار ارائه‌شده در این زمینه با توجه به فراگیر و همگانی‌بودن حق آموزش و این‌که حق آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی به عنوان حق اساسی و بنیادین آن‌ها و به عنوان حق شهروندی این کودکان و نوجوانان مورد توجه است که توجه خاص و حمایت بیشتری را می‌طلبد، لذا لزوم تصویب ضمانت اجرایی متناسب و به طور خاص مبنی بر نقض حق آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی ضروری به نظر می‌رسد.

۸ـ راه‌کار عدم وجود فضاهای آموزشی

راه‌کار ارائه‌شده در این زمینه ایجاد و تجهیز فضاهای آموزشی مناسب جهت برگزاری کلاس‌های آموزشی و مدارس خاص در داخل کانون‌ها و زندان‌ها هست که در ساخت فضاهای آموزشی و تجهیز کانون‌ها و زندان‌ها به کلاس‌های درس باید تلاش جدی انجام بگیرد تا کودکان و نوجوانان محروم از آزادی در محیط مناسب و جدا از محل خوابگاه، محل صرف غذا در مکانی آموزشی و مناسب به تحصیل مبادرت ورزند و معلمان نیز در آن مکان به راحتی و بدون مشکل بتوانند به امر آموزش خود بپردازند.

۹ـ راه‌کار عدم امکان حضور در کلاس‌های بیرون از کانون و زندان

راه‌کار ارائه‌شده در این زمینه استفاده از ظرفیت مدارس و دانشگاه‌ها که امکان ادامه تحصیل به صورت غیر حضوری و آموزش از راه دور را دارند، بسیار مؤثر و کارآمد به نظر می‌رسد. همچنین استفاده از حبس‌های الکترونیکی در کودکان و نوجوانان محروم از آزادی که به لحاظ قانونی و قضایی منعی برایشان وجود نداشته باشد تا بتوانند به راحتی در کلاس‌های درس یا آزمون بیرون از زندان شرکت نمایند.

۱۰ـ راه‌کار مربوط به مشکلات اداره کانون‌های اصلاح و تربیت و زندان‌ها

راه‌کار ارائه‌شده در این زمینه لزوم بهره‌گیری از سیستم‌های نوین در امر اداره زندان‌ها و استفاده از کانون و زندان به عنوان محلی برای بازپروری و اصلاح و تربیت کودکان و نوجوانان بزه‌کار با شیوه‌های نوین امر زندانبانی و آماده‌کردن کودکان و نوجوانان بزه‌کار برای بازگشت به محیط جامعه از محیط زندان است.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-03]

نتیجه‌گیری

واقعیت‌ها نشان از نیاز جوامع به مکان‌هایی دارد که بتوانند برای مدتی افراد ناسازگار و ناهنجار را جدا از جامعه نگه دارند و تمهیداتی بیندیشند که آنان اصلاح شده و به جامعه بازگردند. از طرفی می‌دانیم که حقوق بنیادین بشر هیچ‌گونه حد و مرزی همچون زندان نمی‌شناسد. از مجموعه مباحثی که مطرح گردید، معلوم می‌شود که حق بر آموزش کودکان و نوجوانان بزه‌کار و محروم از آزادی جزء حق اساسی و بنیادین آنان است و بر دوش دولت‌ها است که تدابیری در این خصوص به کار گیرند. همچنین با اجرای کامل حق بر آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی تحولات تازه‌ای در امر اصلاح و تربیت و بازپروری کودکان و نوجوانان بزه‌کار به وجود خواهد آمد. مطابق یافته‌ها و نتایج این پژوهش حق بر آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی در حقوق ایران دارای چالش‌های متعددی هست که از جمله آن‌ها می‌توان به چالش‌های روحی و روانی، عدم سازگاری با محیط، چالش مالی، عدم همکاری مسؤولان کانون‌های اصلاح و تربیت و زندان، مسؤولان قضایی، مسؤولان امر آموزشی، ضعف ضمانت اجرا، عدم وجود فضای آموزشی، عدم امکان حضور در کلاس‌های درس بیرون و مشکلات مربوط به سیستم اداره کانون‌ها و زندان‌ها اشاره نمود. از همین رو مطابق با آنچه در قوانین داخلی کشور پیش‌بینی شده است، حق بر آموزش آن‌ها را تا حدود زیادی تضمین شده است، ولی از حیث وجود چالش‌هایی در مورد این حق هم نسبت به سلب این حق و هم کاستی‌های قابل‌توجهی را دارا است. با این وجود اقدامات بسیاری در کانون‌های اصلاح و تربیت و زندان‌های ایران و در خصوص رعایت حق آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی و رفع چالش‌های موجود باید انجام گیرد تا کودکان و نوجوانان محروم از آزادی نیز همانند سایر کودکان و نوجوانان در جامعه بتوانند به حق آموزش به عنوان یکی از حقوق بشری خود و جلوه‌ای از حقوق شهروندی دست یابند. یکی از این اقدامات که مورد توجه هست، این است که کودکان و نوجوانان محروم از آزادی نباید چوب کم‌کاری و ناکارآمدی نظام اصلاح و درمان را بخورند و در این راستا تغییر سیاست‌های دولتی و نهادهای حمایتی در عملکردهایی چون غنی‌سازی فرهنگی

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-03]

و آموزش و پرورش نقش بسیار پررنگی را در این زمینه ایفا خواهند کرد. با توجه به این‌که عموماً زندانیان متشکل از انسان‌هایی هستند که اکثراً جوان بوده و یا در سنین نزدیک به جوانی قرار دارند، لذا رعایت حقوق کودکان و نوجوانان محروم از آزادی به منظور دسترسی به حق آموزش از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، زیرا که تحصیلات موجب ارتقای مهارت‌های زندگی و تغییرات مثبت در سبک زندگی شده و می‌تواند تأثیر پیشگیرانه از جرم داشته باشد. همچنین فراهم‌ساختن و توسعه زمینه‌های دسترسی کودکان و نوجوانان محروم از آزادی به حق آموزش و همچنین تخصیص اعتبار لازم برای حمایت از حق آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی جهت بهبود عملکرد سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور با توسعه و ارتقای همکاری سازمان‌های مردم‌نهاد و مؤسسات خصوصی در امر آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی و استفاده از ظرفیت‌های آنان در راستای رعایت حقوق شهروندی و حقوق بشر کودکان و نوجوانان محروم از آزادی نقش بسیار پررنگی در راستای رسیدن به اهداف اصلاح و تربیت و بازپروری کودکان و نوجوانان بزه‌کار خواهد داشت. با برچیده‌کردن چالش‌های فراروی حق آموزش کودکان و نوجوانان محروم از آزادی و با اجرای فراگیر این حق می‌توان به بازسازگاری اجتماعی کودکان و نوجوانان بزه‌کار در جهت بازگشت به جامعه و پیشگیری از تکرار جرم کمک نمود.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-03]

References

1. Feizi Khezerlou H. A Comparative Study of the Right to Free Education in International Documents and Iranian Law. Maragheh: Dissertation for Master's Degree in International Law, Islamic Azad University, Maragheh Branch; 2015. p.9.

2. Available at: http://www.sayeh-news.com.

3. Hojaji Najaf Abadi M. Massimo papa, Childrens Rights to Education in International Human Rights Documents. Child Rights Quarterly 2019; 1(3): 213-237.

4. Beigi J. Legal Strategy for Children and Adolescents in Educational Policy Making. Science and Technology Policy Quarterly 2019; 6(4): 31-46.

5. Beigi J, Teymouri M. The Right to Education of Children Deprived of Freedom and the Challenges Facing It in Iran. Tehran: International Conference on the Rights of the Child; 2020.

6. Foucault M. Care and Punishment of Prison Birth, translation: Nico sarkhosh and Afshin jahandide. Tehran: Publishers Ney; 2006. p.155-288.

7. Available at: http://www.poolnews.ir.

8. Niavani S. The Right to Education in the International Human Rights System. Journal of Legal Research 2010; 4(52): 381-433.

9. Ashoori M. Replace prison or intermediate punishment. Tehran: Publishers Gerayesh; 2003. p.44.

10. Waeli A. Prison Sentences in Islam. Translated by Bekaii MH. Tehran: Publishers Islamic Culture; 1983. p.220.

11. Danesh T. Prisoners' rights and prison science. Tehran: Publishers University of Tehran; 1997. p.3-231.

12. Rajabi A. Description of the Code of Prisons and Security Measures of Iran. Tehran: Publishers Daneshvar; 2003. p.117-118.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-03]

13. Najafi Abrandabadi H. Iran's Criminal Policy in the Territory of Prisons: The Continuous Evolution of Executive Regulations, introduction: Bullock Bernard. Tehran: Publishers Majd; 2006. p.9.

14. Available at: http://www.afkarnews.com.

15. Najafi Abrandabadi H. Protecting the right to education in the field of criminal policy. Journal Educational Excellence in the Jurisprudence of Khuzestan Province 2009; 4(35): 49-51.

16. Ansari B. The right to education: The right of the child to education in the international human rights system. 1st ed. Tehran: Publishers Shahr danesh; 2014. p.142.

17. Jahangiri A, Qomashi S. Investigating the Reproductive Functions of Enforcing the Right to Education in Isfahan Prisons. Journal of Criminal Law 2017; 8(2): 63-91.

18. Abdi A. Social Pathology Impact of Prison on Prisoner. Tehran: Publishers Noor; 1992. p.75-76.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-11-03]